

نقش واسطه‌ای روان‌بندهای شناختی در ارتباط با فرایند و محتوای خانواده و شیوه‌های مقابله با تعارض

The Mediating Role of Cognitive Schemas in the Relationship between Family Process and Content with Coping Strategy Styles

Iran Jalali
MA in Psychology

Sirus Sarvghad, PhD
Islamic Azad University
Marvdasht Branch

دکتر سیروس سروقد
استادیار دانشگاه آزاد اسلامی
واحد مرودشت

ایران جلالی
کارشناس ارشد روان‌شناسی عمومی

Siamak Samani, PhD
Islamic Azad University
Marvdasht Branch

دکتر سیامک سامانی
دانشیار دانشگاه آزاد اسلامی
واحد مرودشت

چکیده

با هدف تعیین نقش واسطه‌ای روان‌بندهای شناختی سازش‌نیافته در ارتباط با فرایند و محتوای خانواده و شیوه‌های مقابله با تعارض، ۴۰۰ نفر (۲۴۰ دختر و ۱۶۰ پسر) از دانش‌آموزان دبیرستانی شهر شیراز به روش نمونه‌برداری خوشه‌ای چندمرحله‌ای انتخاب شدند و به سیاهه تعارض سازمانی (رحیم و مگنر، ۱۹۹۵)، پرسشنامه روان‌بندهای یانگ (۱۹۹۴) و مقیاس فرایند و محتوای خانواده (سامانی، ۱۳۸۷) پاسخ دادند. نتایج آزمون همبستگی نشان دادند بین طرحواره‌های شناختی و مؤلفه‌های محتوای خانواده (به استثنای دیگرجهت‌مندی با فضای زندگی و منابع مالی) و مؤلفه‌های فرایند خانواده (به استثنای باورهای مذهبی) رابطه منفی معنادار و بین شیوه‌های حل تعارض با والدین و مؤلفه‌های فرایند خانواده (به استثنای باورهای مذهبی) رابطه مثبت معنادار وجود دارد. شاخص برازندگی مدل‌ها در تحلیل مسیر نشان داد که مدل‌های مفروض با متغیر مستقل محتوای خانواده در رابطه با شیوه‌های حل تعارض با مادر (به استثنای شیوه سلطه‌گرایی) و شیوه حل تعارض با پدر (به استثنای شیوه ائتلاف‌گرایی، سلطه‌گرایی و سازش‌گرایی) همگی تأیید شدند.

واژه‌های کلیدی: تعارض والد-کودک، روان‌بندهای شناختی، فرایند و محتوای خانواده

Abstract

In order to determine the mediating role of maladaptive cognitive schemas as related to family process and content and strategies for coping with parent-child conflict, 400 high school students (240 females, 160 males) in Shiraz city during the academic year of 2011-2012 were selected by multistage cluster sampling method and responded to the Organizational Conflict Inventory (ROCI-II; Rahim & Magner, 1995), Schema Questionnaire-Short Form (Young, 1999) and Family Process and Content Scale (Samani, 2009). Findings revealed no meaningful relationship between cognitive schema and family content components (except other-directedness with life atmosphere and fiscal resources) and family process (except religious beliefs). Also, a meaningful relationship was found between strategies for coping with parent-child conflict and family process components (excepting religious beliefs). Goodness of Fit Index derived from path analysis revealed the confirmation of the hypothesis regarding the model of relationship between family content with strategies for coping with mother-child conflict (except dominating) and strategies for coping with father-child conflict (except integrating, dominating and accommodating).

Keywords: parent-child conflict, cognitive schema, family process and content

received: 13 February 2011

accepted: 5 August 2012

دریافت: ۱۳۹۰/۱۱/۲۴

پذیرش: ۱۳۹۱/۵/۱۵

Contact information: jalaliiran@yahoo.com

این مقاله برگرفته از پایان‌نامه کارشناسی ارشد رشته روان‌شناسی عمومی است.

مقدمه

کودکی که در محیط اولیه زندگی خود از ثبات، تفاهم و عشق محروم است، در ارضای نیازهای خود با ناکامی مواجه می‌شود. در مقابل، توجه بیش از حد والدین به رفاه و آسایش کودک نیز احتمال شکل‌گیری روان‌بنه‌های سازش‌نایافته^۴ را در وی افزایش می‌دهد (رخشنده‌رو، ۱۳۸۹).

روان‌بنه‌های سازش‌نایافته اولیه، درون‌مایه‌ها یا الگوهای فراگیر و عمیقی درباره خود و دیگران هستند که به شدت ناکارآمدند. این روان‌بنه‌ها که از خاطرات، هیجان‌ها، شناخت‌ها و احساس‌های بدنی تشکیل شده‌اند، در خلال دوران کودکی به وجود می‌آیند و در طول زندگی پیچیده‌تر می‌شوند. روان‌بنه‌های سازش‌نایافته بازنمایی دقیقی از محیط پیرامون‌اند و در بزرگسالی محیط زندگی اولیه را منعکس می‌کنند (یانگ، ۱۳۸۴/۱۹۵۰). این روان‌بنه‌ها که در خانواده شکل می‌گیرند، می‌توانند فرد را در آینده با مشکلات جدی مواجه سازند. برای مثال بررسی رابطه روان‌بنه‌های سازش‌نایافته اولیه و پنج عامل بزرگ شخصیت نشان داده است که این روان‌بنه‌ها قابلیت پیش‌بینی افسردگی را بر اساس عوامل شخصیت دارند (تیم، ۲۰۱۰). در همین راستا، کلاگ و یانگ (۲۰۰۶) نیز نشان داده‌اند که روان‌بنه‌های سازش‌نایافته، اغلب زیربنای اضطراب و افسردگی‌اند.

خانواده با ایجاد تعارض^۵ و تشدید آن نیز می‌تواند فرد را به سوی روان‌بنه‌های سازش‌نایافته هدایت کند. تعارض بین فردی هنگامی به وجود می‌آید که افراد هدف‌های ناهمسازی دارند (باباپورخیرالدین، ۱۳۸۵). این تعارض‌ها در برخی از دوره‌های تحول به طور چشمگیری افزایش می‌یابند. یکی از این دوره‌ها نوجوانی است زیرا نوجوان، خواهان استقلال و بیان عقاید مختلف است، اما والدین اهداف تربیتی خاص خود را دنبال می‌کنند که گاه با اهداف نوجوان همساز نیست. به همین دلیل کشمکش با والدین در این دوره افزایش می‌یابد (سامانی و فولادچنگ، ۱۳۸۵). به عبارتی دیگر، عمده‌ترین دگرگونی که در دوران نوجوانی به وقوع می‌پیوندد، تغییر روابط خانوادگی است. تغییر ارتباط خانواده با نوجوان تنها به دلیل تغییر رفتاری نوجوان نیست، بلکه والدین نیز تغییر می‌کنند. بنابراین نوجوانان با والدین خود در مورد موضوعات مختلف، دچار تعارض می‌شوند. مقابله با این تعارض‌ها به شیوه‌ای مناسب،

خانواده به عنوان نظامی پویا با تکیه بر سه جنبه وجودی خود یعنی فرایند خانواده^۱، محتوای خانواده^۲ و بافت خانواده^۳ به حیات خود ادامه می‌دهد (سامانی، ۲۰۱۱). بر اساس این الگو، فرایند و محتوای خانواده مانند موجودات زنده، به گونه‌ای مستمر و مداوم با شرایط و نیازهای جدید رو به رو می‌شوند. آنچه موجب بازگشت و حفظ تعادل خانواده می‌شود، مهارت‌ها و کنش‌هایی است که در بُعد نخست یعنی فرایند خانواده جای می‌گیرد (مانند مهارت و سبک‌های ارتباطی، سبک‌های تربیتی، مهارت در تصمیم‌گیری و حل مسئله و مهارت در بیان خود). بُعد دوم یعنی محتوا شامل همه چیزهایی است که به واقعیات عینی و کاملاً ملموس زندگی اعضای خانواده شکل می‌دهند، بنابراین آنچه که محتوای تجربه‌های افراد را تشکیل می‌دهد مانند سن، سطح تحصیلات، شغل، سلامت جسمانی و روانی، در زیرمجموعه محتوای خانواده قرار می‌گیرد. بُعد سوم بافت اجتماعی خانواده است که به نظام‌های بزرگی اشاره دارد که خانواده را دربر می‌گیرند و نمونه بسیار کلان آن را می‌توان فرهنگی دانست که خانواده در آن پرورش می‌یابد (مانند نظام اعتقادی حاکم بر خانواده). این ابعاد پایه و اساس زندگی هر خانواده‌ای به شمار می‌آیند. اعضای خانواده صرف‌نظر از تجربه‌های فردی خود، خانواده خود را براساس این سه زمینه ارزیابی می‌کنند (سامانی و فولادچنگ، ۱۳۸۵).

در مورد اهمیت سه بُعد خانواده پژوهش‌های بسیاری انجام شده است. برای مثال فینائر، لارسون و هارپر (۲۰۱۰) در پژوهش خود با بررسی فرایند خانواده و نشانه‌های روان‌شناختی به این نتیجه رسیدند که فرایندهای خانواده (سبک‌های ارتباطی، مهارت در بیان خود، سبک‌های تربیتی) منجر به کاهش نشانه‌های روان‌شناختی در نوجوانان می‌شوند. صادق‌زاده (۱۳۸۹) نیز در پژوهش خود با عنوان پیش‌بینی تنیدگی، اضطراب و افسردگی نوجوانی بر اساس دو بُعد الگوی فرایند و محتوای خانواده دریافت که هر دو بُعد خانواده می‌توانند افسردگی نوجوانان را به گونه‌ای معنادار پیش‌بینی کنند اما هیچ یک از این ابعاد توانایی پیش‌بینی تنیدگی در نوجوانان را ندارند.

سبک‌های تعارضی خود در طول زمان ندارد (کانری و لیکی، ۲۰۱۰). بررسی‌ها نشان داده‌اند که برخی از شیوه‌های حل تعارض با سلامت روانی همراه است. برای مثال حل تعارض خدمت‌گرایانه و مصالحه‌گرانه^۵ با سلامت روان‌شناختی رابطه مثبت دارند (باباپورخیرالدین، ۱۳۸۵).

شیوه تعامل بین اعضای خانواده، محتوای خانواده، فرایند خانواده و روان‌بینه‌های شناختی که در نوجوان شکل گرفته‌اند، می‌توانند به فهم چگونگی شکل‌گیری روی‌آوردهای تعارضی و شیوه‌های مقابله نوجوان با تعارض کمک کنند. رخشنده‌رو (۱۳۸۹) در پژوهش خود با عنوان رابطه روان‌بینه‌های سازش‌نایافته اولیه و سبک‌های مقابله‌ای در دانشجویان به این نتیجه رسید که بین این دو رابطه معناداری وجود دارد. در واقع مطالعات مختلف بیانگر آن هستند که سلامت رفتار، با شیوه ارزیابی فرد از تنیدگی و روش‌های مقابله با آن ارتباط دارد (سپهری و پاکدامن، ۱۳۸۹). روان‌بینه‌ها نیز نقش عمده‌ای در تفکر، احساس، رفتار و نحوه برقراری ارتباط با دیگران بازی می‌کنند و به گونه‌ای اجتناب‌ناپذیر زندگی بزرگسالی را به شرایط ناگوار دوران کودکی پیوند می‌زنند (آهی، ۱۳۸۴).

شواهد تجربی و نظری موجود، تأثیر فرایند و محتوای خانواده را در تعیین شیوه مقابله با تعارض در نوجوان یا شکل‌گیری روان‌بینه‌های شناختی روشن ساخته است. به همین دلیل این پژوهش با هدف شناخت نقش واسطه‌ای روان‌بینه‌های شناختی در ارتباط با فرایند و محتوای خانواده و شیوه‌های مقابله با تعارض دانش‌آموزان دبیرستانی شکل گرفته است.

روش

این پژوهش از نوع همبستگی است. جامعه آماری شامل کلیه دانش‌آموزان متوسطه نواحی چهارگانه شیراز در سال تحصیلی ۹۰-۸۹ بود. با استفاده از روش نمونه‌برداری خوشه‌ای چندمرحله‌ای دو ناحیه از چهار ناحیه شهر شیراز (ناحیه ۲ و ۴) و از هر ناحیه، چهار مدرسه دخترانه و دو مدرسه پسرانه به گونه تصادفی انتخاب شدند. انتخاب افراد نمونه با توجه به نسبت تعداد دختران و پسران در جامعه آماری (۴۷۳۴۶ دانش‌آموزان، ۲۴۶۳۲ دختر و ۲۲۷۱۴ پسر) صورت گرفت. بدین ترتیب ۴۰۰ نفر (۲۴۰

پیشرفت نوجوان را در پی دارد. در غیر این صورت دوره نوجوانی تبدیل به دوره‌ای بحرانی خواهد شد (سامانی و فولادچنگ، ۱۳۸۵).

بی‌تردید خانواده می‌تواند با حمایت از فرزندان خود، آنها را از عواقب نامطلوب احتمالی که در آینده ممکن است برای آنان به وجود آید محافظت کند. افزون بر آن، با آموزش مهارت‌های مختلف، می‌تواند وی را برای مقابله با مشکلات احتمالی آینده آماده کند. نتایج پژوهش ملکپها، باغبان و فاتحی‌زاده (۱۳۸۹) نیز با عنوان آموزش مدیریت تعارض کار-خانواده، تأثیر آموزش را در حل تعارض‌ها به صورت برجسته‌ای نمایان ساخته است.

یکی از راه‌های مقابله با تعارض ارائه الگوهای مناسب برای مقابله با تعارض است. الگوهایی که خانواده با شیوه‌های ارتباطی مناسب می‌تواند به فرزندان خود انتقال دهد. برای مثال سپهری و پاکدامن (۱۳۸۹) در بررسی خود دریافتند نوجوانان متعلق به خانواده‌هایی که از الگوی ارتباطی مبتنی بر گفت و شنود سود می‌جویند، اغلب با شیوه کارآمد خدمت‌گرایانه^۱ با تعارض‌های به وجود آمده مقابله می‌کنند، در حالی که خانواده‌هایی که روش همناوی^۲ را در ارتباط با فرزندان خود به کار می‌برند، نوجوانان آنان بیشتر از شیوه‌های ناکارآمد سلطه‌گرایانه^۳ و اجتنابی^۴ در حل تعارض سود می‌جویند.

به هر حال، نوجوانی که به تازگی به شناخت صوری نایل شده و امکان اندیشیدن به احتمالاتی غیر از واقعیت موجود را به دست آورده، محتوای خانوادگی خود را ارزیابی می‌کند و نتیجه این ارزیابی را با آنچه در ذهن آرمانی‌اش شایسته خود می‌پندارد، مقایسه می‌کند. نتیجه این مقایسه به لحاظ تعامل‌های آتی نوجوان با اعضای خانواده مهم است. بنابراین عجیب نیست که نوجوان از طرز لباس پوشیدن یا وضعیت ظاهری پدر و مادر خویش راضی نیست یا فضای زندگی خویش را چندان نمی‌پسندد و با موجی از نگرانی و تعارض، بنای بی‌احترامی و بدخلقی را با والدین خویش، آغاز می‌کند (سامانی، ۲۰۱۱).

به عبارتی دیگر، نوجوان در محیط خانواده در طول زمان شیوه خاصی را برای ابراز تعارض‌های خود انتخاب می‌کند که ناشی از شناخت وی است و اغلب اوقات تمایلی به تغییر

دختر و ۱۶۰ پسر) از دانش آموزان ۱۷-۱۵ ساله به عنوان گروه نمونه انتخاب شدند. به منظور گردآوری داده‌ها از ابزارهای زیر استفاده شد:

سیاهه تعارض سازمانی^۱ (رحیم و مگنر، ۱۹۹۵). این سیاهه ۵ سبک حل تعارض خدمت‌گرایانه، ائتلاف‌گرایانه^۲، سلطه‌گرایانه، سازش‌گرایانه^۳ و اجتنابی را مطرح می‌کند. سبک خدمت‌گرایانه با هفت ماده (۲، ۱۰، ۱۱، ۱۳، ۱۹، ۲۴) نشان‌دهنده تبادل اطلاعات و بررسی اختلاف‌ها برای رسیدن به راه حل قابل قبول برای طرفین است. سبک ائتلاف‌گرایانه با هفت ماده (۱، ۴، ۵، ۱۲، ۲۲، ۲۳، ۲۸) تلاش برای کاهش اختلافات و تأکید بر برآورده کردن انتظارات و مسائل را ارزیابی می‌کند. سبک سلطه‌گرایانه با پنج ماده (۸، ۹، ۱۸، ۲۱، ۲۵) بر مبنای جهت‌گیری تهدیدآمیز مشخص می‌شود. شخصی که از این شیوه استفاده می‌کند برای دستیابی به هدف خود اقدام به هر کاری می‌کند و نیازها و انتظارات دیگران را نادیده می‌گیرد. سبک سازش‌گرایانه با چهار ماده (۷، ۱۴، ۲۵، ۲۰) در نقطه میانی توجه به انتظارات و نیازهای خود و دیگران قرار دارد و به تقسیم امتیازات بین طرفین اشاره می‌کند. سبک اجتنابی با شش ماده (۳، ۶، ۱۶، ۱۷، ۲۶، ۲۷) بر اساس موقعیت‌های انزوا، اعطای مسئولیت به دیگران، دیگران را مقصر دانستن و خود را کنار کشیدن، مشخص می‌شود (باباپورخیرالدین، ۱۳۸۵).

ماده‌های این سیاهه بر مبنای مقیاس لیکرت پنج درجه‌ای از کاملاً موافق (نمره پنج) تا کاملاً مخالف (نمره یک) نمره‌گذاری می‌شوند. اعتبار این سیاهه در پژوهش‌های پیشین با محاسبه ضریب همسانی درونی ۰/۵۰ تا ۰/۹۵ و بر مبنای بازآزمایی ۰/۹۰ تا ۰/۸۳ گزارش شده است (داملاو و بوتا، ۲۰۰۰). در ایران نیز اعتبار این سیاهه در بررسی‌های مختلف از ۰/۷۲ تا ۰/۸۳ و اعتبار بازآزمایی آن از ۰/۶۲ تا ۰/۸۳ محاسبه شده است (باباپورخیرالدین، ۱۳۸۵). در پژوهش حاضر نیز اعتبار این سیاهه با استفاده از آلفای کرونباخ ۰/۸۳ و اعتبار زیرمقیاس‌های خدمت‌گرایانه ائتلاف‌گرایانه، سلطه‌گرایانه، سازش‌گرایانه و اجتنابی برای پدر به ترتیب ۰/۸۰، ۰/۸۵، ۰/۷۲، ۰/۶۲، ۰/۶۴ و برای مادر

۰/۷۳، ۰/۸۰، ۰/۷۶، ۰/۶۱ و ۰/۶۳ به دست آمد.

پرسشنامه روان‌بنه‌های یانگ^۴ (فرم کوتاه، ۱۹۹۴). این پرسشنامه یک ابزار خودگزارش‌دهی برای سنجش روان‌بنه‌هاست. فرم کوتاه این پرسشنامه دارای ۷۵ ماده است. در این پرسشنامه پنج حوزه بریدگی و طرد^۵ (ماده‌های ۱-۲۵)، خودگردانی و عملکرد مختل^۶ (ماده‌های ۲۶-۴۵)، دیگرجهت‌مندی^۷ (ماده‌های ۴۶-۵۵)، گوش به زنگی بیش از حد و بازداری^۸ (ماده‌های ۵۶-۶۵) و محدودیت‌های مختل^۹ (ماده‌های ۶۶-۷۵) ارزیابی می‌شوند. افراد بر اساس هر جمله، خود را بر مبنای یک مقیاس لیکرت شش درجه‌ای از کاملاً غلط (نمره یک)، و کاملاً درست (نمره شش) توصیف می‌کنند. اعتبار این پرسشنامه بر اساس آلفای کرونباخ، برای مقیاس کلی، ۰/۶۹ و برای زیرمقیاس‌ها بیش از ۰/۸۰ محاسبه شد (یانگ، ۱۹۹۴). هنجاریابی فرم کوتاه پرسشنامه روان‌بنه‌های یانگ در ایران توسط آهی (۱۳۸۴) صورت گرفته است. با بررسی ۳۸۷ نفر از دانشجویان دانشگاه‌های تهران، همسانی درونی این پرسشنامه با استفاده از آلفای کرونباخ در جمعیت مؤنث ۰/۹۷ و در جمعیت مذکر ۰/۹۸ به دست آمد. روایی صوری پرسشنامه نیز توسط ۱۲ نفر از اساتید دانشگاه اصفهان مورد تأیید قرار گرفت (آهی، ۱۳۸۴). در پژوهش حاضر اعتبار این پرسشنامه بر اساس آلفای کرونباخ برابر با ۰/۹۵ محاسبه شد. ضرایب آلفای کرونباخ برای زیرمقیاس‌های بریدگی و طرد ۰/۹۰، خودگردانی ۰/۸۹، دیگرجهت‌مندی ۰/۷۶، گوش به زنگی بیش از حد و بازداری ۰/۷۵ و محدودیت مختل ۰/۷۴ به دست آمد.

مقیاس خودگزارش‌دهی فرایند خانواده^{۱۰} (سامانی، ۱۳۸۷). این مقیاس با ۴۳ ماده دارای پنج زیرمقیاس است: تصمیم‌گیری و حل مسئله (ماده‌های ۳۷-۲۸)، مهارت مقابله (ماده‌های ۲۷-۱۶)، انسجام و احترام متقابل (ماده‌های ۱۵-۹، ۴، ۲)، مهارت‌های ارتباطی (ماده‌های ۸-۵، ۳، ۱) و باورهای مذهبی (ماده‌های ۴۳-۳۸).

ضرایب همسانی درونی زیرمقیاس‌های تصمیم‌گیری و حل مسئله، مهارت مقابله، انسجام و احترام متقابل، مهارت‌های

1. Organizational Conflict Inventory (ROCI-II)
2. integrating
3. accommodating
4. Yang Schemas Questionnaire- Short Form (YSQ-SF)
5. disconnection and rejection

6. impaired autonomy and performance
7. other-direction
8. over vigilance and inhibition
9. impaired limits
10. Self-Report Family Process Scale (SFPS)

معکوس نمره گذاری می‌شوند. اعتبار مقیاس با استفاده از ضریب همسانی درونی، در پژوهش‌های پیشین محاسبه شده است. برای مثال سامانی و صادق‌زاده (۲۰۱۰) ضرایب آلفای کرونباخ هر یک از زیرمقیاس‌ها برای شغل و تحصیلات ۰/۸۳، زمانی برای با هم بودن ۰/۷۷، منابع مالی ۰/۷۸، ظاهر بدنی و منزلت اجتماعی ۰/۸۲، سلامت جسمانی و روانی ۰/۷۲، فضای زندگی ۰/۷۹ و تسهیلات تحصیلی ۰/۸۵ گزارش شده‌اند. روایی سازه آن نیز توسط این مؤلفان بررسی شده است.

در پژوهش حاضر نیز اعتبار هر یک از زیرمقیاس‌ها با استفاده از آلفای کرونباخ محاسبه شد. این ضرایب برای زیرمقیاس‌های شغل و تحصیلات، زمان با هم بودن، منابع مالی، ظاهر بدنی، سلامت جسمانی و روانی، فضای زندگی، تسهیلات زندگی به ترتیب برابر با ۰/۸۱، ۰/۸۰، ۰/۷۸، ۰/۷۹، ۰/۷۰، ۰/۷۶، ۰/۷۵ محاسبه شد. تحلیل داده‌ها با استفاده از آزمون همبستگی و تحلیل مسیر انجام شد.

یافته‌ها

نتایج جدول ۱ نشان می‌دهند که بریدگی و طرد بالاترین میزان همبستگی را با مؤلفه‌های فرایند و محتوای خانواده دارد. بین منابع مالی و فضای زندگی با دیگرجهت‌مندی، و باورهای مذهبی با مؤلفه‌های روان‌بینه‌های شناختی رابطه معنادار مشاهده نشد. در حالی که در سایر موارد همبستگی‌های به دست آمده معنادار بودند.

ارتباطی و باورهای مذهبی به ترتیب برابر با ۰/۷۳، ۰/۷۳، ۰/۸۵، ۰/۷۱ و ۰/۸۷ گزارش شدند (سامانی، ۱۳۸۷). روایی سازه این مقیاس نیز توسط سامانی (۱۳۸۷) با روش تحلیل عاملی بررسی شده است.

نمره‌گذاری این مقیاس بر مبنای مقیاس لیکرتی پنج درجه‌ای از یک (کاملاً مخالفم) تا پنج (کاملاً موافقم) صورت می‌گیرد و ماده‌های ۴۰ و ۳۷ و ۳۶، ۳۵، ۳۴، ۳۳، ۳۲، ۳۱، ۳۰، ۲۹، ۲۸، ۲۰، ۸، ۷، ۵، ۱ به صورت معکوس نمره‌گذاری می‌شوند (سامانی، ۱۳۸۷). در این پژوهش نیز اعتبار هر یک از زیرمقیاس با استفاده از آلفای کرونباخ محاسبه شد: تصمیم‌گیری و حل مسئله ۰/۸۹، مهارت مقابله ۰/۸۱، انسجام و احترام متقابل ۰/۹۱، مهارت ارتباطی ۰/۵۳ و باورهای مذهبی ۰/۸۵.

مقیاس خودگزارش‌دهی محتوای خانواده^۱ (سامانی، ۱۳۸۷). این مقیاس با ۳۸ ماده دارای زیرمقیاس‌های شغل و تحصیلات (ماده‌های ۲۸ و ۲۴-۲۰)، زمانی برای با هم بودن^۲ (ماده‌های ۹، ۱۱، ۱۲-۶)، منابع مالی^۳ (ماده‌های ۱-۵)، ظاهر بدنی و منزلت اجتماعی (ماده‌های ۱۶، ۱۸، ۱۹-۱۳)، سلامت جسمانی و روانی^۴ (ماده‌های ۳۸-۳۴)، فضای زندگی^۵ (ماده‌های ۳۳-۳۱) و تسهیلات تحصیلی^۶ (ماده‌های ۲۷-۲۵) است.

نمره‌گذاری این ابزار بر مبنای مقیاس لیکرتی پنج درجه‌ای از یک (کاملاً مخالفم) تا پنج (کاملاً موافقم) صورت می‌گیرد و ماده‌های ۳۸، ۳۷، ۳۳، ۳۲، ۳۱، ۲۸، ۲۷، ۲۵، ۲۳، ۲۲، ۲۱، ۲۰، ۱۸، ۱۲، ۱۱، ۱۰، ۹، ۸، ۷، ۶، ۵، ۴، ۳، ۲، ۱ به صورت

جدول ۱ همبستگی ابعاد محتوا و فرایند خانواده با روان‌بینه‌های شناختی سازش‌نیافته

ابعاد	بریدگی و طرد	خودگردانی	دیگرجهت‌مندی	گوش به زنگ‌بودن و بازداری	محدودیت مختل
شغل و تحصیلات	-۰/۴۲**	-۰/۳۶**	-۰/۲۲**	-۰/۲۳**	-۰/۲۷**
زمانی برای با هم بودن	-۰/۴۶**	-۰/۳۶**	-۰/۲۶**	-۰/۳۳**	-۰/۳۵**
منابع مالی	-۰/۳۵**	-۰/۳۲**	-۰/۰۹	-۰/۲۳**	-۰/۱۹**
ظاهر بدنی	-۰/۴۶**	-۰/۴۱**	-۰/۲**	-۰/۲۸**	-۰/۱۹**
محتوا	-۰/۳۳**	-۰/۲۹**	-۰/۱۱**	-۰/۱۲۷*	-۰/۱۰*
سلامت جسمانی و روانی	-۰/۳۶**	-۰/۲۷**	-۰/۰۷	-۰/۱۷**	-۰/۱۰*
فضای زندگی	-۰/۴۱**	-۰/۲۹**	-۰/۱۱*	-۰/۲۹**	-۰/۲۷**
تسهیلات تحصیلی	-۰/۴۷**	-۰/۴۰**	-۰/۲۶**	-۰/۲۵**	-۰/۳۲**
تصمیم‌گیری و حل مسئله	-۰/۴۴**	-۰/۳۰**	-۰/۲۲**	-۰/۱۹**	-۰/۲۸**
مهارت مقابله	-۰/۴۶**	-۰/۳۲**	-۰/۲۸**	-۰/۲۱**	-۰/۲۹**
انسجام و احترام	-۰/۴۰**	-۰/۳۲**	-۰/۲۳**	-۰/۲۳**	-۰/۲۶**
مهارت ارتباطی	-۰/۴۰**	-۰/۳۲**	-۰/۲۳**	-۰/۲۳**	-۰/۲۶**
باورمذهبی	-۰/۰۷۲	-۰/۰۳۴	-۰/۰۲۳	-۰/۰۵۴	-۰/۰۵۳

**P<۰/۰۱ *P<۰/۰۵

- | | | |
|--|-------------------------------|---------------------------|
| 1. Self-Report Family Content Scale (SFCS) | 3. finance | 5. living space |
| 2. time for being together | 4. physical and mental health | 6. educational facilities |

نتایج جدول ۲ نشان می‌دهند که بین تمام مؤلفه‌های فرایند خانواده و شیوه‌های حل تعارض با پدر و مادر رابطه معنادار وجود دارد. تنها بین باورهای مذهبی با شیوه‌های حل تعارض سلطه‌گرایانه با پدر و مادر و حل تعارض اجتنابی با مادر رابطه معنادار مشاهده نشد.

جدول ۲

ضرایب همبستگی بین ابعاد فرایند خانواده و شیوه‌های حل تعارض با پدر و مادر

ابعاد	خدمت‌گرایانه		اتلاف‌گرایانه		سلطه‌گرایانه		سازش‌گرایانه		اجتنابی	
	مادر	پدر	مادر	پدر	مادر	پدر	مادر	پدر	مادر	پدر
تصمیم‌گیری و حل مسئله	۰/۲۶**	۰/۲۷**	۰/۳۳**	۰/۴۲**	-۰/۴۱**	-۰/۲۹**	۰/۱۸**	۰/۳۳**	۰/۲۶**	۰/۲۷**
مهارت مقابله	۰/۳۱**	۰/۴۲**	۰/۴۷**	۰/۳۹**	-۰/۲۹**	-۰/۱۷**	۰/۳۳**	۰/۳۳**	۰/۳۰**	۰/۳۰**
انسجام و احترام متقابل	۰/۳۲**	۰/۴۴**	۰/۴۵**	۰/۴۱**	-۰/۳۳**	-۰/۲۱**	۰/۳۰**	۰/۳۳**	۰/۲۸**	۰/۲۸**
مهارت‌های ارتباطی	۰/۲۹**	۰/۴۰**	۰/۳۰**	۰/۳۳**	-۰/۲۹**	-۰/۲۱**	۰/۲۲**	۰/۲۳**	۰/۲۹**	۰/۲۹**
باورهای مذهبی	۰/۱۹**	۰/۱۶**	۰/۲۵**	۰/۱۸**	-۰/۰۱	-۰/۰۱	۰/۱۶**	۰/۲۴**	۰/۰۵۷	۰/۱۳**

**P<۰/۰۱ * P<۰/۰۵

که بین مؤلفه‌های روان‌بنه با شیوه‌های حل تعارض با پدر و مادر همبستگی معنادار وجود دارد. تنها بین گوش به زنگی بیش از حد با شیوه حل تعارض سازش‌گرایانه با پدر و مادر و بین محدودیت مختل با شیوه حل تعارض سازش‌گرایانه با مادر رابطه معنادار مشاهده نشد.

نتایج جدول ۳ نشان می‌دهند که بالاترین همبستگی بین مؤلفه‌های محتوای خانواده و شیوه‌های حل تعارض سلطه‌گرایانه و خدمت‌گرایانه با پدر و مادر وجود دارد.

مقادیر همبستگی شیوه‌های حل تعارض با والدین و روان‌بنه‌های شناختی سازش‌نیافته در جدول ۴ نشان می‌دهند

جدول ۳

ضرایب همبستگی بین زیرمقیاس‌های محتوای خانواده و شیوه‌های حل تعارض با مادر و پدر

زیرمقیاس‌ها	خدمت‌گرایانه		اتلاف‌گرایانه		سلطه‌گرایانه		سازش‌گرایانه		اجتنابی	
	مادر	پدر	مادر	پدر	مادر	پدر	مادر	پدر	مادر	پدر
شغل و تحصیلات	۰/۱۳*	۰/۰۱	۰/۱۶**	۰/۲۹**	-۰/۲۴**	-۰/۱۷**	۰/۰۳	۰/۱۴**	۰/۱۱*	۰/۱۸**
زمان برای با هم بودن	۰/۲۶**	۰/۲۵**	۰/۲۵**	۰/۲۷**	-۰/۳۵**	-۰/۲۷**	۰/۱۲*	۰/۲۴**	۰/۱۱*	۰/۱۱*
منابع مالی	۰/۱۷**	۰/۰۴۹	۰/۱۶**	۰/۳۸**	-۰/۱۵**	-۰/۱۸**	۰/۰۰۹	۰/۱۵**	۰/۱۰*	۰/۱۱*
ظاهر بدنی	۰/۱۸**	۰/۱۶**	۰/۳۰**	۰/۳۳**	-۰/۳۴**	-۰/۲۳**	۰/۱۱*	۰/۲۱**	۰/۱۶**	۰/۲۴**
سلامت جسمانی و روانی	۰/۱۱*	۰/۱۱*	۰/۱۵**	۰/۲۶**	-۰/۲۱**	-۰/۱۶**	۰/۰۰۳	۰/۲۲**	۰/۱۹**	۰/۱۵**
فضای زندگی	۰/۰۷	۰/۰۷	۰/۱۴**	۰/۲۳**	-۰/۲۶**	-۰/۲۵**	۰/۰۰۹	۰/۰۹	۰/۱۰*	۰/۰۳۵
تسهیلات تحصیلی	۰/۱۹**	۰/۲۵**	۰/۲۷**	۰/۲۳**	-۰/۲۳**	-۰/۲۲**	۰/۲۲**	۰/۰۷	۰/۱۴**	۰/۲۰**

**P<۰/۰۱ * P<۰/۰۵

جدول ۴

ضرایب همبستگی بین شیوه‌های حل تعارض با پدر و مادر و روان‌بنه‌های شناختی سازش‌نیافته

زیرمقیاس‌ها	خدمت‌گرایانه		اتلاف‌گرایانه		سلطه‌گرایانه		سازش‌گرایانه		اجتنابی	
	مادر	پدر	مادر	پدر	مادر	پدر	مادر	پدر	مادر	پدر
بردیگی و طرد	-۰/۲۵**	-۰/۲۶**	-۰/۴۰**	-۰/۴۲**	۰/۲۰**	۰/۳۰**	-۰/۱۹**	-۰/۱۳*	-۰/۳۰**	-۰/۱۷**
زمان برای با هم بودن	-۰/۲۱**	-۰/۲۲**	-۰/۳۸**	-۰/۳۸**	۰/۱۴**	۰/۲۵**	-۰/۱۸**	-۰/۱۱*	-۰/۳۰**	-۰/۱۸**
منابع مالی	-۰/۱۷**	-۰/۱۷**	-۰/۲۲**	-۰/۲۷**	۰/۱۰*	۰/۲۳**	-۰/۱۷**	-۰/۱۱*	-۰/۲۶**	-۰/۱۷**
ظاهر بدنی	-۰/۲۱**	-۰/۱۷**	-۰/۲۰**	-۰/۲۵**	۰/۲۰**	۰/۲۷**	-۰/۰۹	۰/۰۶	-۰/۲۴*	-۰/۱۰*
محدودیت مختل	-۰/۲۲**	-۰/۲۳**	-۰/۲۹**	-۰/۳۵**	۰/۲۷**	۰/۳۴**	۰/۰۲	۰/۱۱**	-۰/۳۰**	-۰/۱۶**

**P<۰/۰۱ * P<۰/۰۵

جدول ۵ آمده است. در این مدل کلی، متغیر وابسته شیوه‌های حل تعارض با والدین، متغیر واسطه‌ای روان‌بنه‌های شناختی و متغیر

نتایج تحلیل مسیر به منظور بررسی نقش واسطه‌ای روان‌بنه‌ها در ارتباط با فرایند و محتوای خانواده و شیوه‌های مقابله با تعارض در

مستقل فرایند خانواده است که ۱۰ مدل را با توجه به مؤلفه‌های شیوه حل تعارض با والدین دربرمی‌گیرد.

جدول ۵

نتایج آزمون نقش واسطه‌ای روان‌بنه‌های شناختی در ارتباط با فرایند خانواده و شیوه‌های حل تعارض با مادر

مدل‌ها	χ^2	GFI	RMSEA	RMR	اثر غیرمستقیم
فرایند خانواده ← روان‌بنه ← خدمت‌گرایانه	۵۶/۱۷	۰/۹۲	۰/۳۷	۱۳/۷۲	۰/۱۱
فرایند خانواده ← روان‌بنه ← ائتلاف‌گرایانه	۵۱/۲۲	۰/۹۲	۰/۳۵	۱۴/۹	۰/۱۸
فرایند خانواده ← روان‌بنه ← سلطه‌گرایانه	۲۷/۵۴	۰/۹۶	۰/۲۵	۱۰/۰۱	-۰/۱۴
فرایند خانواده ← روان‌بنه ← سازش‌گرایانه	۳۱/۷۲	۰/۹۵	۰/۲۷	۶/۵۷	۰/۰۵۶
فرایند خانواده ← روان‌بنه ← اجتنابی	۲۶/۷۰	۰/۹۶	۰/۲۵	۱۰/۲۰	۰/۰۸

با توجه به اینکه شاخص RMSEA (شاخص خطای مدل) در تمام موارد بیش از ۰/۰۵ است، مدل‌های مطرح‌شده تأیید نشدند. بنابراین بین فرایند خانواده و شیوه‌های حل تعارض با مادر، روان‌بنه‌های شناختی نقش واسطه‌ای ندارند.

جدول ۶

نتایج آزمون نقش واسطه‌ای روان‌بنه‌های شناختی در ارتباط با فرایند خانواده و شیوه‌های حل تعارض با پدر

مدل‌ها	χ^2	GFI	RMSEA	RMR	اثر غیرمستقیم
فرایند خانواده ← روان‌بنه ← خدمت‌گرایانه	۳۰/۶۰	۰/۹۵	۰/۲۷	۱۱/۸۲	۰/۱۱
فرایند خانواده ← روان‌بنه ← ائتلاف‌گرایانه	۵۰/۲۵	۰/۹۳	۰/۳۵	۱۸/۶۹	۰/۱۷
فرایند خانواده ← روان‌بنه ← سلطه‌گرایانه	۱۱/۷۰	۰/۹۸	۰/۱۶	۶/۶۹	-۰/۰۹
فرایند خانواده ← روان‌بنه ← سازش‌گرایانه	۴۸/۱۰	۰/۹۳	۰/۳۴	۱۱/۸۰	۰/۰۷
فرایند خانواده ← روان‌بنه ← اجتنابی	۱۹/۷۰	۰/۹۷	۰/۲۱	۸/۷۱	۰/۱۴

با توجه به اینکه شاخص RMSEA (شاخص خطای مدل) در تمام موارد بیش از ۰/۰۵ است، نقش واسطه‌ای روان‌بنه‌های شناختی در ارتباط با فرایند خانواده و شیوه‌های حل تعارض با پدر، تأیید نشد.

جدول ۷

نتایج آزمون نقش واسطه‌ای روان‌بنه‌های شناختی در ارتباط با محتوای خانواده و شیوه‌های حل تعارض با مادر

مدل‌ها	χ^2	GFI	RMSEA	RMR	اثر غیرمستقیم
فرایند خانواده ← روان‌بنه ← خدمت‌گرایانه	۱/۳۵	۰/۹۹	۰/۰۳	۱/۷۶	۰/۱۳
فرایند خانواده ← روان‌بنه ← ائتلاف‌گرایانه	۳/۶۰	۰/۹۹	۰/۰۸	۳/۲۶	۰/۱۲
فرایند خانواده ← روان‌بنه ← سلطه‌گرایانه	۰/۱۴	۱	۰/۳۶	۰/۰۰	۰/۰۶
فرایند خانواده ← روان‌بنه ← سازش‌گرایانه	۴/۴۱	۰/۹۹	۰/۰۹	۳/۳۸	۰/۰۹
فرایند خانواده ← روان‌بنه ← اجتنابی	۲۴/۵۷	۰/۹۶	۰/۲۴	۷/۵۷	-۰/۱۶

بررسی نقش واسطه‌ای روان‌بنه‌های شناختی بین محتوای خانواده و شیوه‌های حل تعارض با مادر نشان داد که به استثنای شیوه حل تعارض سلطه‌گرایانه و اجتنابی، سایر مدل‌ها مورد تأیید قرار گرفتند.

جدول ۸

نتایج آزمون نقش واسطه‌ای روان‌بنه‌های شناختی در ارتباط با محتوا خانواده و شیوه‌های حل تعارض با پدر

مدل‌ها	χ^2	GFI	RMSEA	RMR	اثر غیرمستقیم
فرایند خانواده ← روان‌بنه ← خدمت‌گرایانه	۵/۴۱	۰/۹۹	۰/۱۰	۴/۰۲	۰/۱۳
فرایند خانواده ← روان‌بنه ← ائتلاف‌گرایانه	۲۹/۵۰	۱۱/۶۰	۰/۲۶	۰/۹۵	۰/۲۰
فرایند خانواده ← روان‌بنه ← سلطه‌گرایانه	۱۳/۱۵	۰/۹۸	۰/۱۷	۵/۱۱	۰/۰۸
فرایند خانواده ← روان‌بنه ← سازش‌گرایانه	۱/۰۳	۰/۹۹	۰/۰۰۹	۱/۶۱	۰/۱۷
فرایند خانواده ← روان‌بنه ← اجتنابی	۲۱/۳۶	۰/۹۷	۰/۲۲	۷/۶۰	۰/۱۱

بر مبنای شاخص RMSEA (شاخص خطای مدل) تنها نقش واسطه‌ای روان‌بنه‌های شناختی در ارتباط با محتوای خانواده و شیوه‌های حل تعارض خدمت‌گرایانه و اجتنابی با پدر تأیید شد (جدول ۸).

بحث

ضرایب همبستگی وجود ارتباط بین روان‌بنه‌های شناختی با ابعاد و محتوای خانواده، محتوا و فرایند خانواده با شیوه‌های حل تعارض با والدین و شیوه‌های حل تعارض با روان‌بنه‌های شناختی سازش‌نا یافته را تأیید کردند. اما بین باورهای مذهبی و ابعاد محتوا و فرایند خانواده رابطه معنادار مشاهده نشد. در توجیه این مسئله می‌توان به این امر استناد کرد که اعتقادات و باورهای دینی و مذهبی امری درونی‌اند و می‌توانند تحت تأثیر فضای بزرگ‌تری همچون فرهنگ و جامعه که جزئی از بافت خانواده است، قرار گیرند. رابطه منفی شیوه حل تعارض اجتنابی با فرایند خانواده را می‌توان بر اساس استقلال عمل نوجوان تبیین کرد. حس استقلال یکی از اساسی‌ترین تکالیف روانی و تحولی دوران نوجوانی است. عدم وابستگی به توانایی فرد در ارائه رفتار بر مبنای خواست فرد اشاره دارد. نوجوان خودمحور است، مراجع قدرت را به چالش می‌طلبد، بین فکر و عمل وی تضاد و دوگانگی وجود دارد. بنابراین نوجوان شیوه اجتنابی را که با موقعیت‌های انزوا و اعطای مسئولیت به دیگران، دیگران را مقصر دانستن و خود را کنار کشیدن در ارتباط است، انتخاب می‌کند.

اولوس (۱۹۹۳) در پژوهش خود به این نتیجه دست یافت که نوجوانان پرخاشگر اغلب توان مهار رفتار خود را ندارند و در خواندن نشانه‌های هیجانی، درک دیدگاه‌های طرف مقابل و مدیریت خشم مشکل دارند. این افراد مهارت‌های رفتاری مورد نیاز برای ارائه پاسخ‌های مناسب به مسائل را کسب نکرده‌اند و در مهارت‌های حل تعارض دچار کاستی هستند.

در مورد عدم وجود ارتباط بین شیوه حل تعارض سازش‌گرایانه و محدودیت‌های مختل می‌توان به این نکته استناد کرد که محدودیت‌های مختل، نقض در محدودیت‌های درونی، احساس مسئولیت در قبال دیگران با جهت‌گیری نسبت به دیگران یا جهت‌گیری نسبت به هدف‌های بلندمدت زندگی است و این امر بیشتر در خانواده‌هایی وجود دارد که با سهل‌انگاری افراطی، فقدان جهت‌دهی یا حس برتری مشخص می‌شوند (یانگ، ۱۹۹۴).

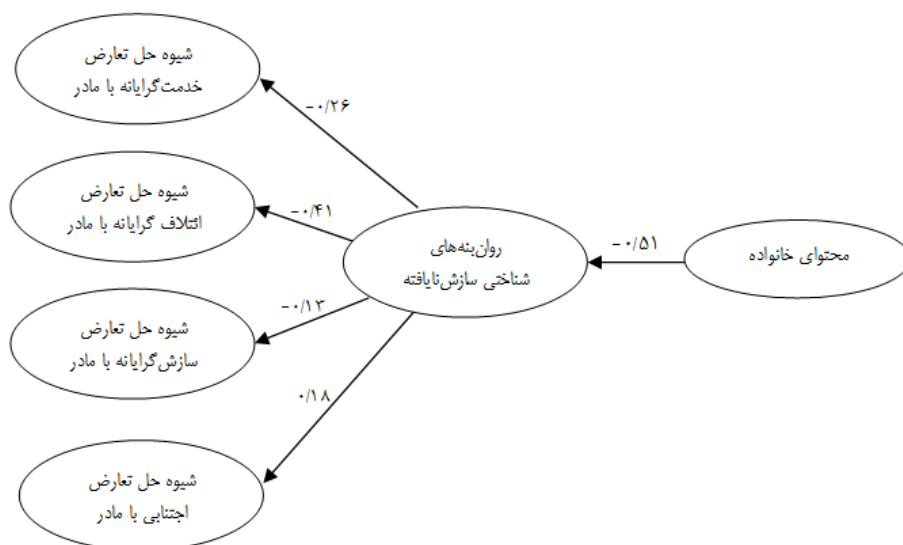
ریشه تحولی روان‌بنه‌های سازش‌نا یافته اولیه در تجارب ناگوار دوران کودکی نهفته است. چهار دسته از تجارب اولیه زندگی، از جمله ناکامی ناگوار نیازها، آسیب دیدن و قربانی

شدن، تجربه کردن بیش از حد چیزهای خوب و درونی‌سازی انتخابی یا همانندی با افراد مهم زندگی، روند اکتساب روان‌بنه‌ها را تسریع می‌کنند. اما برخی از مؤلفه‌های فرایند خانواده مانند تصمیم‌گیری و حل مسئله، باور مذهبی و...، چندان نمی‌توانند تأثیرگذار باشند. برعکس مواردی مانند شرایط مساعد خانواده، امنیت اقتصادی و شغلی، حد متعادل برآورده شدن نیازها و زمان با هم‌بودن شکل‌گیری روان‌بنه‌ها را بیشتر تحت تأثیر قرار می‌دهند. افزون بر آن محیط زندگی و خلق و خوی هیجانی کودک نیز در شکل‌گیری روان‌بنه‌های شناختی نقش مهمی را ایفا می‌کنند (جدول‌های ۵ و ۶). نتایج تحلیل مسیر نقش واسطه‌ای روان‌بنه‌های شناختی در ارتباط با فرایند خانواده و شیوه‌های حل تعارض با والدین را تأیید نکرد. اما آزمون نقش واسطه‌ای روان‌بنه‌های شناختی سازش‌نا یافته در ارتباط با محتوای خانواده و شیوه حل تعارض خدمت‌گرایانه، ائتلاف‌گرایانه، سازش‌گرایانه و اجتنابی با مادر تأیید شد. این یافته با یافته‌های فینائر، لارسون و هارپر (۲۰۱۰)، صادق‌زاده (۱۳۸۹) و رخشنده‌رو (۱۳۸۹) همسو است. اما آزمون نقش واسطه‌ای روان‌بنه‌های شناختی سازش‌نا یافته در ارتباط با محتوای خانواده و شیوه‌های حل تعارض سلطه‌گرایانه نیز مدل ارائه شده را تأیید نکرد. برای تبیین این مدل می‌توان بیان داشت که عوامل شکل‌دهنده روان‌بنه‌ها که پیشتر توضیح داده شد، مانند مدل‌های پیشین تأثیرگذار بوده است. اما اثر غیرمستقیم آنها در شیوه حل تعارض سلطه‌گرایانه با مادر در حد قابل قبولی نبود زیرا که یک مدل فعال درونی مانند روان‌بنه‌ها اغلب حاصل الگوی تعاملی کودک با مادر است. در صورتی که مادر نیاز به حمایت کودک را بشناسد و هم‌زمان به استقلال وی توجه کند، احتمال دارد که کودک به یک مدل فعال درونی دست یابد و خود را فردی ارزشمند و توانمند بداند. بنابراین، این شیوه حل تعارض را انتخاب نخواهد کرد.

در آزمون مدل‌های نقش واسطه‌ای روان‌بنه‌های شناختی در ارتباط با محتوای خانواده با شیوه‌های حل تعارض با پدر تنها دو مدل شیوه حل تعارض، خدمت‌گرایانه و اجتنابی، تأیید شد. دو نیاز هیجانی اساسی عبارتند از: خودگردانی کفایت، هویت و آزادی در بیان نیازها و هیجان‌های سالم که این دو

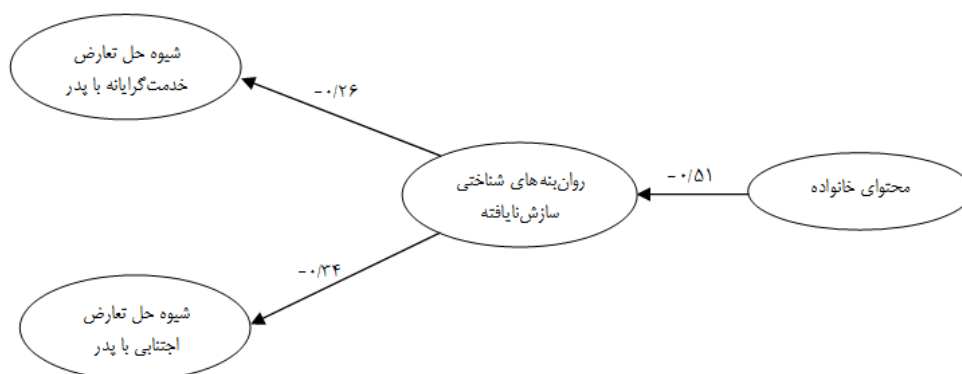
خلق و خوی فطری کودک و محیط اولیه به جای ارضای این نیازها منجر به ناکامی آنها می‌شود (یانگ، ۱۹۹۴). در مجموع یافته‌های پژوهش دارای مضامین نظری و کاربردی ویژه‌ای است که امکان پیشنهاد یک مدل علی را فراهم می‌سازد. بر همین اساس، می‌توان اقدام به ارائه دو مدل به شرح زیر کرد.

شیوه حل تعارض انتخابی را به خوبی پوشش می‌دهد. با توجه به نتایج جدول ۸ که مبین عدم تأیید مدل‌ها با نقش واسطه‌ای روان‌بنده‌های شناختی با محتوای خانواده و شیوه‌های حل تعارض ائتلاف‌گرایانه، سازش‌گرایانه و سلطه‌گرایانه است، می‌توان این گونه توجیه کرد که نیازهای هیجانی اساسی جهان‌شمول‌اند، همه انسان‌ها این نیازها را دارند، اگرچه شدت این نیازها در بعضی افراد بیشتر است، گاهی اوقات تعامل بین



شکل ۱. مدل مفروض نقش واسطه‌گری روان‌بنده‌های شناختی سازش‌نا یافته برای شیوه‌های حل تعارض با مادر و

محتوای خانواده



شکل ۲. مدل مفروض نقش واسطه‌گری روان‌بنده‌های شناختی سازش‌نا یافته برای شیوه‌های حل تعارض با پدر و محتوای خانواده

تعارض اهمیت دارد.

با توجه به آنکه پژوهش حاضر در شیراز انجام شده است در تعمیم نتایج رعایت احتیاط ضروری به نظر می‌رسد و اجرای آتی پژوهش در گروه‌های سنی و فرهنگی متفاوت پیشنهاد می‌شود.

با توجه به یافته‌ها، فرایند و محتوای خانواده عامل اساسی ایجاد و ثبات ویژگی‌های مثبت و منفی اعضای خانواده به ویژه نوجوانان است و محتوای خانواده با تأثیر بر شکل‌گیری روان‌بنده‌ها، نوع مقابله با تعارض را تعیین می‌کند. بنابراین شناسایی محتوا و یا فرایند خانواده برای تعیین نوع مقابله با

their father. New York: Routledge.

- Feinauer, I., Larson, J. H., & Harper, J. M. (2010).** Implicit family process rules and adolescent psychological symptoms. *American Journal of Family Therapy*, 38 (1), 63 – 72.
- Kellogg, S. H., & Young, J. E. (2006).** Schema therapy for borderline personality disorder. *Journal of Clinical Psychology*, 62 (4), 445 – 458.
- Olweus, D. (1993).** Bullies on the playground: The role of victimization. In C. H., Hurt (Ed.), *Children on playground* (pp.85-128). Albany: State University of New York Press Psychology.
- Rahim, M., & Magner, N. (1995).** Confirmatory factor analysis of the styles of handling interpersonal conflict: First order factor model and its invariance across groups. *Journal of Applied Psychology*, 80 (1), 548-565.
- Samani, S. (2011).** *Family process and content model: A contextual model for family Studies*. Academic World Education & Research Center, 2nd World Conference on Psychology, Counseling and Guidance.
- Samani, S., & Sadeghzadeh, M. (2010).** Reliability and validity of the Self-Report Family Conflict Scale. *Psychological Reports*, 106 (2), 539-547.
- Thimm, J. C. (2010).** Personality and early maladaptive schema: A five-factor model perspective. *Journal of Behavior Therapy Experimental Psychiatry*, 41 (4), 373-380.
- Young, J. E. (1994).** *Cognitive therapy for personality disorders: A schema-focused approach*. Florida: Professional Resource Exchange, Inc.

منابع

- آهی، ق. (۱۳۸۴). *هنجار یابی فرم کوتاه پرسشنامه روان‌بنده یانگ بین دانشجویان دانشگاه تهران*. پایان‌نامه کارشناسی ارشد، دانشکده علوم تربیتی و روان‌شناسی دانشگاه علامه طباطبائی.
- باباپور خیرالدین، ج. (۱۳۸۵). بررسی رابطه بین شیوه‌های حل تعارض ارتباطی و سلامت روان‌شناختی دانشجویان. *فصلنامه علمی پژوهشی روان‌شناسی دانشگاه تبریز*، ۱ (۴)، ۳۹-۲۱.
- رخشنده‌رو، م. (۱۳۸۹). *رابطه روان‌بنده‌های ناسازگار اولیه و سبک‌های مقابله‌ای دانشجویان*. پایان‌نامه کارشناسی ارشد، دانشکده علوم تربیتی و روان‌شناسی دانشگاه آزاد مرودشت.
- سامانی، س. (۱۳۸۷). بررسی روایی و پایایی مقیاس فرایند خانواده. *مجله روان‌پزشکی و روان‌شناسی بالینی ایران*، ۱۴ (۲)، ۱۷-۱۱.
- سامانی، س. و فولادچنگ، م. (۱۳۸۵). *روان‌شناسی نوجوانی*. شیراز: نشر ملک سلیمان.
- سپهری، ص. و پاکدامن، ش. (۱۳۸۹). *الگوهای ارتباطی خانواده و تعارضات فرزندان و والدین*. *مجله روش‌ها و مدل‌های روان‌شناختی*، ۱ (۲)، ۱۶-۸.
- صادق‌زاده، م. (۱۳۸۹). پیش‌بینی تنیدگی، اضطراب و افسردگی بر اساس دو بعد از مدل فرایند و محتوای خانواده. *مجله روش‌ها و مدل‌های روان‌شناختی*، ۱ (۲)، ۳۱-۲۱.
- ملکیها، م.، باغبان، ا. و فاتحی‌زاده، م. (۱۳۸۹). آموزش مدیریت تعارض کار-خانواده. *فصلنامه روان‌شناسی تحولی*، ۶ (۲۴)، ۳۴۵-۳۵۱.
- یانگ، ج. (۱۳۸۴). *شناخت درمانی اختلالات شخصیت*. رویکرد روان‌بنده محور. ترجمه ع. صاحبی و ج. حمیدپور. تهران: انتشارات آگاه (تاریخ انتشار اثر اصلی، ۱۹۵۰).
- Canary, D., & Lakey, S. G. (2010).** *Strategic conflict: Research-based principles for managing interpersonal conflicts*. New Jersey: Lawrence Erlbaum Associates.
- Dumlao, R., & Botta, R. (2000).** *Family communication pattern and the conflict style young adults use with*